

ارائه شده توسط

لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و
سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

Advance3

Unit2

The invisible **thread**

موضوعی نامعلوم

It lifts hearts and lengthens lives. It has been **hailed** as the ultimate good by philosophers and promoted by major religions. The **wondrous** good in question is friendship. Aristotle's highest goal for men and the third plank of the French revolution - **liberty**, equality, **fraternity** - friendship is as old as humanity and as important as love or justice. But while bookstore shelves **groan** with self-help books on finding the perfect partner and philosophical texts on the nature of freedom, friendship barely gets a mention among academics or policy-makers.

دل ها را شاد می کند و عمرها را طولانی. توسط فلاسفه به عنوان بهترین چیز مورد ستایش قرار گرفته و توسط اکثر مذاهب ترویج پیدا کرده و پذیرفته شده است. مورد شگفت انگیز فوق الذکر، دوستی است. والاترین هدف ارسطو برای انسانها و سومین جنبه ی مهم از انقلاب فرانسه - آزادی، برابری، برادری - دوستی قدمتی به اندازه ی بشریت دارد و به اندازه ی عشق یا عدالت مهم است. در حالی که قفسه های کتاب فروشی ها پر شده از کتاب های خودیاری در پیدا کردن شریک زندگی عالی و متون فلسفی درباره ی ماهیت آزادی، به ندرت به روابط دوستی در بین دانشگاهیان و سیاست گذاران اشاره شده است.

Friendship is the invisible thread running through society, yet its significance in our lives is, if anything, increasing. While the claim that "friends are the new

family" is an **overstatement**, it is certainly the case that friendships figure prominently in both the lives people actually lead and the ones to which they **aspire**. Some television series portray a world in which close friendships define the **contours** of the participants' lives: parents and children are allowed, at least, at best, walk-on parts.

رابطه ی دوستی موضوعی غیر محسوس هست که در جامعه جریان دارد. هنوز اهمیت آن در زندگی مان، اگر اصلا باشد، در حال افزایش است. با وجود آنکه ادعا نسبت به اینکه "دوستان خانواده ای جدید هستند" یک اغراق است، اما مطمئنا دوستی نقش برجسته ای هم در زندگی ای که واقعا انجام می دهند و آن زندگی که در آرزوی آن هستند، ایفا میکند. تعدادی از مجموعه های تلویزیون دنیایی را به تصویر میکشند که در آن روابط دوستی نزدیک، شکلی از زندگی افراد رو تعریف میکنند: والدین و بچه ها نقش فرعی بازی میکنند در حالیکه دوستان اساس زندگی را تشکیل میدهند.

One of the reasons why thinkers struggle to recognize this trend may be one of definition. I am a friend to someone I have known and loved for 25 years, but I am also a "Friend of The Earth." Friendship is a **slippery** category. This, however, is where philosophers are supposed to help. Aristotle divided friendships into three types: friendships for usefulness, friendships for pleasure and friendships of **virtue**.

یکی از علت هایی که متفکران تلاش می کنند تا این روند دوستی رو شناسایی کنند، شاید یکی از معنی هایش باشد. من دوست کسی هستم که ۲۵ سال است میشناسمش و عاشقش هستم، همچنین من "دوستار محیط زیست" هم هستم. دوستی یه مقوله ی دشوار است که فیلسوفان قرار است که در

همین مورد کمک کنند. ارسطو دوستی و رفاقت را به سه دسته تقسیم کرد: دوستی برای مفید بودن ، دوستی برای لذت ، دوستی برای فضیلت.

The first kind of friend is the one who will get you a job or membership of an exclusive club; the second makes you laugh. But in both cases the point of the friendship is that they provide something of separate value to you. True friendship, the third kind, is valued for itself. There are few **numerical** limits on the first two kinds - I can have a vast business network and hundreds of agreeable **acquaintances** - but true friendship is, by definition, a limited field: if someone has many friends, they have none.

اولین نوع از دوست کسی هست که برای شما کار پیدا می کند یا شما را عضو یک کلاب خواهند کرد؛ دومین گروه کسانی هستند که موجب خنده و شادی شما می شوند. اما در هر دو مورد، هدف از دوستی این هست که آنها ارزشی جداگانه و خاص برای شما ارائه می کنند. دوستی واقعی، سومین نوع، برای خودش ارزشمند است. در دو نوع اول از نظر تعداد محدودیت های کمتری وجود دارد. مثلاً، من میتوانم یک شبکه ی تجارت عظیم، با صدها دوستان و آشنایان خوب داشته باشم، ولی دوستی واقعی، طبق تعریف، یک شاخه و زمینه ی محدود شده هست: اگر کسی دوستان زیادی دارد، در اصل هیچ ندارند. (تعداد دوستان واقعی محدود است)

Virtuous friendship is long-term and committed and brings the great psychological benefits, there is **plentiful** research evidence showing that having at least one close friend is associated with a range of health benefits, from recovery times from cardiac illness to reduced **incidence** of mental health problems.

دوستی با فضیلت طولانی مدت و متعهد است و فواید روانشناختی زیادی به همراه دارد، شواهد تحقیقاتی فراوانی وجود دارد که نشان می دهد داشتن حداقل یک دوست نزدیک با مجموعه ای از منافع مرتبط با سلامتی، از کاهش زمان های ریکاوری از بیماری قلبی تا کاهش شیوع مشکلات روانی، همراه است.

However, friendship is not always an **unalloyed** good. Its benefits are **unevenly** spread and its impact on traditional liberal values, such as equality, diversity and **mobility**, is mixed. The first problem is that men are worse at friendship than women. It is now widely **acknowledged** that women do more of the "social" work than men and have better-developed friendship skills, which leaves men at a disadvantage.

با این حال، رابطه ی دوستی همیشه یک چیز عالی و کامل نیست. منافع آن به صورت نامنظم پخش میشود و تاثیر آن با ارزش های مرسوم لیبرالی از قبیل برابری، تنوع و تغییرپذیری، آمیخته شده است. اولین مشکل این که مردان در رابطه ی دوستی نسبت به زنان بدتر هستند. هم اکنون این به طور گسترده ای تایید شده که زنان بیشتر از مردان کارهای اجتماعی را انجام میدهند و مهارت های بهتری در ایجاد رابطه دوستی دارند، که مردان را در وضع نابرابری قرار می دهد.

Secondly, friendship has political **downsides** for governments committed to social inclusion: it is, by definition, exclusive. People from a particular social class or educational background are highly likely to form friendships, or romantic relationships, with people from the same background. Given that friends help each other, the danger is that the friendships of the **affluent** and successful **hoard** social advantage, to the **detriment** of social mobility.

دومین مشکل اینست که ، دوستی یک سری ایرادات و معایبی از نظر سیاسی برای دولت هایی که متعهد هستند که ادغام اجتماعی (پذیرش افراد در اجتماع) برقرار کنند، دارد : این دوستی براساس تعریفش، طرد اجتماعی است، افرادی که از یک طبقه ی خاص اجتماعی یا از یک سطح سواد خاصی هستند، احتمال بیشتری دارد که با هم سطح خود دوست یا وارد روابط رمانتیک شوند. با وجود اینکه دوستان به هم کمک می کنند، خطر این است که دوستی افراد مرفه و موفق، مزیت اجتماعی را به زیان تحرک اجتماعی جمع کنند.

Friendship is seen – with some **justification** – as a private matter, but the strong links between friendship and other social goods – including better health, more effective careers, and higher life satisfaction – should be enough to **merit** greater attention from decision-makers. So what are the political implications of these observations? Perhaps the best politicians can aim for is not to make things worse for friendship. But political institutions can improve or worsen the conditions in which friendships are formed.

دوستی، با بعضی توجیحات، به عنوان امری خصوصی دیده میشه، ولی ارتباط قوی بین دوستی و دیگر اقداماتی که به نفع عموم جامعه انجام میشود، شامل بهداشت و سلامتی بهتر، شغل های تاثیر گذاتر و رضایتمندی بیشتر از زندگی، باید کافی باشد تا لایق دقت بیشتر تصمیم گیرندگان باشه. بنابراین پیامدهای سیاسی این نظرات چیست؟ ممکن است بهترین سیاستمداران بتوانند به این نتیجه برسند که اوضاع را برای روابط دوستی بدتر نکنند، اما نهادهای سیاسی میتونن شرایط را که در آن روابط دوستی شکل گرفته، بدتر کنند یا بهبود ببخشند.

First of all, the issue of time needs to be considered. Friendship requires time to **flourish**: Aristotle reckoned one and a half **bushels** of salt needed to be consumed together before a friendship became **solid**. At the present time, many people regard non-working hours as family time, but little allowance is made for the time needed to build friendships. Ironically, for politicians to discourage people from working long hours could be counter-productive, since a third of us make most of our friends through work. What the decision-makers could do, however, is discourage the drive for commercial gain that **squeezes conviviality** out of the workplace.

اول از همه، نیاز است که مسئله‌ی زمان در نظر گرفته شود. دوستی نیاز به زمان دارد تا شکوفا شود: ارسطو بر این باور است که قبل از شکل‌گیری یک دوستی واقعی میبایستی یک ونیم پیمانه (بوشل - مقیاس وزنی) نمک بین اون دو طرف مصرف بشه. (یعنی برای شکل‌گیری دوستی زمان لازمه و دو نفر باید نون و نمک هم رو بخورن و باهم رفت و آمد داشته باشن تا دوستی عمیقی شکل بگیره). در حال حاضر تعداد زیادی از افراد ساعت‌های غیرکاری را به عنوان زمان برای خانواده در نظر می‌گیرند، اما مقدار خیلی کم زمان مطلوب برای ایجاد روابط دوستی اختصاص می‌دهند. از قضا، برای سیاستمداران میتواند دارای نتایج خلاف انتظار باشد به خاطر اینکه مردم را از ساعات کاری زیاد منع می‌کنند، زیرا که یک سوم از ما بیشتر دوستانمان را در محیط کارمون پیدا می‌کنیم. با این حال، آنچه تصمیم‌گیرندگان می‌توانند انجام دهند، ممانعت از انگیزه کسب سود تجاری است که شادی را از محل کار بیرون می‌کشد.

There is also a case for encouraging spaces in which people from different backgrounds meet and **interact** in order to increase the chances of **cross-class**

friendships. Given the increase in geographical inequality, with rich people increasingly living in neighborhoods of rich people, only hospital **wards** and places of religious worship are sites of **genuine** social mixing.

همچنین یک مورد وجود دارد که تشویق به شرکت در جاهایی است که در آن مردم از وضعیت های مختلف همدیگر را ملاقات و صحبت کنند و باهم ارتباط برقرار می کنند تا شانس دوستی های بین طبقات اجتماعی افزایش پیدا کند. با وجود افزایش در نابرابری جغرافیایی، که به طور فزاینده ای مردمان ثروتمند در نزدیکی دیگر مردمان ثروتمند زندگی می کنند، فقط در بخش های بیمارستان و مکان های عبادت مذهبی، مکان هایی هستند که در آنها ادغام اجتماعی واقعی هست و تفکیک اجتماعی دیده نمیشود.

Friendship is a virtue with some of the appearances of a social vice. It can promote or **demote** social mobility; **underpin** tolerance or **bolster** discrimination; **erode** or sustain hierarchies. Society could be composed of strong friendships between people of identical social backgrounds who treat everyone else with **contempt**, intolerance or fear.

دوستی فضیلتی است با برخی از ظواهر رذیله اجتماعی. دوستی میتواند تحرکات اجتماعی را تنزیل و یا تبلیغ کند. میتواند میزان شکیبایی را بالا برده و یا ناعدالتی و تبعیض را تقویت بخشد. رتبه ی اجتماعی را میتواند حفظ و یا تخریب نماید. اجتماع میتواند دوستی های قوی بین مردمی که دارای پیش زمینه ی اجتماعی یکسان که با دیگران با تحقیر، عدم تحمل یا ترس رفتار می کنند، بسازد.

The true test of the friendliness of a community is not simply the way its citizens treat their friends, but whether they behave generously toward the broader social world. We need not only the care of friends, but the kindness of strangers.

آزمون واقعی دوستی یک جامعه صرفاً نحوه رفتار شهروندان با دوستان خود نیست، بلکه این است که آیا آنها نسبت به دنیای اجتماعی گسترده تر رفتار می کنند یا خیر. ما نه تنها نیازمند توجه دوستانمان ، بلکه نیازمند مهربانی غریبه ها نیز هستیم.

New word: English explanation / معنی فارسی

Thread: a fine strand of spun fiber such as cotton or flax, usu. composed of two or more filaments twisted together and used in sewing, weaving, and the like/

رشته، ریسمان، به نخ کشیدن

Hailed: to salute or greet / درود، تهنیت، تگرگ، خوش باش

Liberty: freedom from bondage, oppression, or captivity/ اختیار، اجازه، آزادی

Wondrous: wonderful, esp. in literary or poetic usage/ شگرف، حیرت آور، عجیب

وشگفت انگیز

Fraternity: a group of people linked by common pursuits or interests, such as members of the same profession/ گروهی از مردم که دارای آرمان ها یا منافع مشترک (

باشند) دسته، انجمن

Groan: a low-pitched, prolonged sound expressing pain, grief, disapproval, or the like/ شکایت، گله، ناله، ناله کردن، نالیدن

Overstatement: exaggeration; overly strong statement/ اغراق، غلو، گزافه گویی

Aspire: seek to attain a goal, yearn, aim, dream/ ارزو داشتن، ارزو کردن، اشتیاق داشتن

Contours: the outline of a surface, form, or figure; shape/ حد فاصل، محیط مرئی، ویژگی بارز

Slippery: having a slick surface that is difficult to move upon without sliding/ دشوار، بی ثبات، لیز، لغزنده

Virtue: moral excellence; righteousness/ پرهیز گاری، حسن، عفت، پاکدامنی

Numerical: of or pertaining to numbers/ طبق شماره، بر اساس شماره بندی، شماره بندی

Acquaintance: a person one has met but does not know well/ آشنایی، آگاهی

Plentiful: existing in or producing large amounts or quantities; abundant/ سرشار، زیاد، پر ثمر، پر بار، بار آور

Incidence: the frequency with which something happens or the range over which it occurs/ برخورد، انتشار، مشمولیت، وقوع، شیوع مرض

Unalloyed: not mixed with an alloy, as a metal/خالص، ناب

Mobility: ability to move; portability/پویایی، تحرک، جنبایی

Unevenly: in an uneven manner, in an unbalanced way, with variation, in a way that is not equitable/به طور نامتوازن

Acknowledged: to admit or recognize the truth, existence, fact, or validity of/تصدیق کردن، قدردانی کردن، اعتراف کردن

Downside: negative side, unpleasant aspect, disadvantage; lower side/بخش زیرین، زیر، (امور مالی و بازرگانی) کسادی، کاهش قیمت ها، زیان

Affluent: having material wealth/توانگر، پر رونق، پر ناز و نعمت

Detriment: if something happens to your detriment, it harms you; a formal expression/خسارت، زیان، ضرر

Hoard: a collection or supply of something that is hidden, stored, or guarded, as for use at a later time or to keep it from being stolen; cache/ذخیره، احتکار، اندوخته

گنج، احتکار کردن

Justification: something that explains, justifies, or defends, as an explanation or supporting evidence/مدافعه، توجیه، دلیل اوری

Merit: value; character or accomplishment that commends praise/شایستگی، لیاقت، خدمت، استحقاق، سزاوار

Flourish: to grow and thrive; be healthy and vigorous/شکوفای بودن یا شدن، رونق گرفتن

Bushels: a container with such a capacity, or the contents of such a container/پیمانه، یک ظرف اندازه گیری مواد خشک در کشاورزی انگلیس و آمریکا می باشد. ظرفی به قطر تقریبی ۴۶ سانتی متر و ارتفاع ۳۰ سانتی متر

Solid: firm and substantial; not liquid or gaseous/ماده جامد، سفت، خالص، یک پارچه، سخت

Squeeze: to press firmly together; compress/فشار، له کردن، چپاندن، فشردن

Conviviality: friendliness; festivity/ دوستانه، صمیمی، خوش مشربی

Interact: to react to one another in a social situation/ متقابلا عمل کردن، فعل و انفعال

کردن، بر هم کنش داشتن

Cross-class: Involving or combining different social classes/ طبقه اجتماعی مختلف یا

حتی متضاد

Wards: division (of a hospital, prison, etc.); administrative section; minor/ قیم،

قیمومت، اتاق عمومی بیماران بستری

Genuine: true to what is claimed or believed about a thing; authentic/ اصلی، خالص،

درست، واقعی

Bolster: a pillow or cushion, esp. a long, cylindrical one used on a sofa or bed/

متکا، بالش، با بالش نگهداشتن، تکیه دادن

Demote: lower in rank or position/ تنزل رتبه دادن، کسر مقام یافتن

Underpin: o support from below, as with girders or props/ پشتیبانی کردن، حمایت

کردن، پی بندی کردن

Contempt: the feeling or expression of angry disgust, as at something wicked or unworthy; scorn/ اهانت، تحقیر

Erode: to slowly wear away, eat into, or destroy by the action of friction, or as if by friction/ ساییده شدن، فرساییدن

New Word	Synonym	Antonym
Hailed	greet, salute, toast, welcome	
Liberty	emancipation, freedom	bondage, constraint, restraint, slavery
Groan	moan, murmur	
Slippery	lubricious	
Virtue	goodness, morality, rectitude, righteousness, uprightness	iniquity, vice, wrong
Acquaintance	associate, colleague, compeer, confrere, coworker	
Plentiful	abundant, bounteous, bountiful, copious, plenteous, profuse	scant, scanty, scarce, short, thin, tight
Unalloyed	pure, solid	
Acknowledge	accept, admit, affirm, allow, avow, concede, grant, recognize	deny, disavow, reject
Affluent	moneyed, prosperous, rich, wealthy, well-off, well-to-do	destitute, impecunious, impoverished
Detriment	damage, harm, injury	
Hoard	cache, reserve, stash, stockpile	

Justification	apology, cause	
Flourish	grow, thrive	atrophy, languish, rot
Solid	concrete, firm, hard, massive, solidified, substantial	insubstantial
Squeeze	compress	crush, pinch, press
Interact	relate	
Genuine	authentic, bona fide, honest, proven, real, true, veritable	artificial, bogus, counterfeit, fake
Bolster	support, bolster, backrest, cushion	
Contempt	disdain, scorn	admiration, esteem
Erode	abrade, wear away	